بدون مرز

صید عقاب مزاحم در غرب تهران

آتش‌نشانان یک عقاب را که باعث وحشت ساکنان یک کوچه در غرب تهران شده بود، صید کردند. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران، ستاد فرماندهی این سازمان با دریافت خبر وقوع این حادثه بلافاصله آتش‌نشانان ایستگاه ۲۷ را به محل حادثه در بلوار جنت‌آباد، خیابان لاله اعزام کرد. علیرضا جوقینی فرمانده آتش‌نشانان اعزامی در مورد این حادثه گفت: یک عقاب با پرواز در حیاط ساختمان‌های مسکونی باعث وحشت ساکنان این کوچه شده بود که با حضور آتش‌نشانان و استفاده از تجهیزات ویژه نجات اقدام به صید پرنده کردند و آن را به مرکزی که مخصوص نگهداری این گونه پرندگان است، تحویل دادند.

۲۹ هزار سال زندان مجازات یک خانواده کلاهبردار

دادگاه عالی آفریقای جنوبی در پورتوریا عصر جمعه یک خانواده کلاهبردار شرکت‌های هرمی این کشور را جمعاً به ۲۹ هزار سال زندان محکوم کرد. به گزارش ایرنا، همه اعضای خانواده پرینسلو در ۳۹۵ هزار مورد در چند شرکت هرمی از بیش از ۳۰ هزار نفر که غالباً خانواده‌های فقیر بودند کلاهبرداری کرده بودند. «ماریتجی پرینسلو» ۵۶ساله مغز متفکر گروه و «برت» شوهر سابق او، «یولانده لمسترا» دختر، «گریت» داماد سابق، «کوبوس پلستر» و «ایزابل انگلبرشت» خواهرزاده او از اعضای این خانواده کلاهبردار هستند. آنها در چارچوب فعالیت‌های هرمی و انواع جرائم از قبیل اخاذی، پولشویی، اختلال در امور بانکی، نقض قوانین مالیاتی، تقلب و دزدی، حدود ۱/۵ میلیارد رند (۲۲۰ میلیون دلار) سرمایه کسب کرده‌اند. موارد اتهامی مجرم شماره یک این پرونده، ۱۱۸ هزار و ۴۰۹ مورد بود. اعضای این خانواده در مجموع به ۲۹ هزار سال حبس محکوم شده‌اند.

نجات سرایدار از عمق چاه

آتش‌نشانان به کمک سرایدار یک ساختمان مسکونی در عمق ۱۵ متری چاه شتافتند و او را از مرگ نجات دادند. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران، این حادثه ساعت ۱۷:۵۹ جمعه به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد و بلافاصله آتش‌نشانان به سمت محل حادثه در خیابان پاسداران، بوستان ششم حرکت کردند. به گفته «ناصر کیانی» فرمانده آتش‌نشانان اعزامی، در محل مشاهده شد سرایدار ساختمان در حال بازدید از چاه آب بود که به علت سهل‌انگاری به عمق ۱۵متری سقوط کرد. کیانی گفت: «آتش‌نشانان پس از ایمن‌سازی محل و انتقال اکسیژن به عمق چاه به وسیله سه‌پایه چاه، طناب و دیگر تجهیزات ایمنی یکی از امدادگران را به پایین چاه فرستادند و پس از ثابت کردن مصدوم روی هارنس نجات وی را به بالای چاه انتقال داده و در اختیار نیروهای اورژانس قرار دادند.»

خبر

سارقان قطارهای روسیه ۱۷ نفر را کشتند

پلیس روسیه سه مرد را به اتهام قتل ۱۷مسافر قطار با استفاده از سم قوی دستگیر کرد. به گزارش ایسنا، این سه متهم با افزودن سم‌قوی داخل نوشیدنی‌های مسافران قطارهای این کشور و مسموم کردن آنها، اشیای قیمتی مسافران را به سرقت می‌بردند. پلیس روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد علاوه بر ۱۷ مقتول، ۱۵ مسافر دیگر هم در جریان سرقت‌های این سه مرد به شدت دچار مسمومیت شدند که وضعیت دو تن از آنها وخیم گزارش شده است. سه مرد دستگیر شده، یک «ازبک» و دو «روس» هستند که با برقراری ارتباط با مسافران اقدام به اجرای نقشه خود می‌کردند.

چاهک آسانسور، جان جوانی را گرفت

کارگر جوانی با سقوط در چاهک آسانسور، جان خود را از دست داد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران، آتش‌نشانان روز جمعه از طریق تماس تلفنی مالک یک ساختمان، در جریان حادثه‌ای در خیابان ولنجک قرار گرفتند. حمید عادل فرمانده آتش‌نشانان درباره این حادثه گفت: آتش‌نشانان با حضور در صحنه حادثه دریافتند کارگر جوانی که در ساختمان در حال احداث کار می‌کرد در چاهک آسانسور سقوط کرده است. آتش‌نشانان به داخل چاهک رفته و این کارگر را که هیچ علائم حیاتی نداشت، با برانکارد به سطح طبقه همکف انتقال دادند و اورژانس تایید کرد او فوت شده است.

سرقت‌های زنانه در اتوبوس

گروه حوادث: زنی که در اتوبوس‌های شرکت واحد در کرج اقدام به سرقت از مسافران می‌کرد، شناسایی و دستگیر شد. «سرهنگ اصلانی» فرمانده انتظامی شهرستان کرج در این باره گفت: ساعت ۱۲ ظهر روز پنجشنبه هفته گذشته طی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی مبنی بر شناسایی یک سارق در اتوبوس شرکت واحد، بلافاصله ماموران کلانتری مهرویلا به محل اعزام شدند. وی افزود: با بررسی موضوع مشخص شد زنی ۲۸ساله در داخل اتوبوس اقدام به سرقت از کیف زن دیگری کرده بود و قصد داشت فرار کند که مالباخته متوجه سرقت پول شده و او را به تله انداخت. سرهنگ اصلانی خاطرنشان کرد: متهم در تحقیقات پلیسی، چاره‌ای جز اعتراف نداشت و در ادامه بازجویی‌ها به ۹ فقره سرقت در داخل اتوبوس اعتراف کرد.

پدرخوانده یک باند مخوف قاچاق مواد مخدر بعد از شش ماه تحقیق دستگیر شد

جنایت مافیایی در باغ گیلاس

گروه حوادث: پدرخوانده یک شبکه مافیایی قاچاق مواد مخدر که از شش ماه قبل به اتهام قتل تحت تعقیب قرار داشت سرانجام حین انتقال یک محموله به مخفیگاهش در تهران دستگیر شد. این متهم در حالی سرکردگی یک شبکه بزرگ قاچاق را بر عهده داشت که فقط ۲۰ سال دارد با این وجود افراد زیادی برای او کار می‌کردند و وی برای تامین امنیت خودش تعدادی محافظ استخدام کرده بود.

پنجمین روز سال جاری اپراتور مرکز فوریت‌های پلیسی تهران خبری را دریافت کرد که از وجود یک جسد زیر پل مدیریت حکایت داشت. او از همکاران خود در کلانتری شهرک غرب خواست برای پیگیری موضوع به نشانی اعلام‌شده بروند. ماموران وقتی جنازه مرد جوانی را دیدند که روی بدنش آثار کبودی و ضرب و جرح به چشم می‌خورد، محمد شهریاری بازپرس ویژه قتل را در جریان قرار دادند. دقایقی بعد این مقام قضایی و کارآگاهان اداره ۱۰ پلیس آگاهی در صحنه جرم حاضر شدند. مقتول هیچ مدرک شناسایی همراه نداشت و شواهد نشان می‌داد وارد شدن ضربات جسم سخت به نقاط حساس بدنش باعث مرگ او شده است. در همان دقایقی که پیکر قربانی ناشناس در راه پزشکی قانونی بود، زن و مردی به کلانتری شهرک غرب رفتند تا از تماسی مرموز خبر بدهند. آنها گفتند فردی به آنها گفته پسرشان را کشته و جسدش را زیر پل مدیریت انداخته است. مرد میانسال به ماموران توضیح داد: «وقتی آن شخص تماس گرفت با عجله خودمان را به محلی که او گفته بود رساندیم اما از جسد خبری نبود.» این زن و مرد چند دقیقه‌ای دیر به پل مدیریت رسیده بودند اما ماموران آن دو را به پزشکی قانونی راهنمایی کردند و والدین مقتول ۳۰ساله به محض دیدن جنازه مجتبی او را شناسایی کردند. پس از آن بود که تحقیقات وارد مرحله تازه‌ای شد و پدر قربانی در بازجویی‌های پلیسی به کارآگاهان گفت: «روز چهارم فروردین شخص ناشناسی با تلفن همراه من تماس گرفت و گفت مجتبی باید مبلغ ۳۰۰ هزار تومان را به او پرداخت می‌کرد و چون این کار را نکرده او را گروگان گرفته‌اند و من باید این مبلغ را بپردازم تا پسرم آزاد شود. بعد از این تماس قرار گذاشتیم تا ساعت ۱۹ همان روز من این پول را در چهارراه پارک‌وی به آنها بپردازم. در ساعت مقرر دو جوان با یک پراید سفیدرنگ به محل ملاقات آمدند. من به آنها گفتم تا پسرم را نبینم پول را نمی‌دهم. وقتی آنها مرا در این تصمیم جدی دیدند محل را ترک کردند. یک روز بعد آنها در تماس بعدی گفتند دیگر نیازی به پرداخت پول نیست، چون پسرم را کشته و جنازه‌اش را زیر پل مدیریت انداخته‌اند.» پدر مقتول که در همان ملاقات اول شماره پلاک خودرو پراید را یادداشت کرده بود آن را در اختیار کارآگاهان قرار داد و با اخذ استعلام معلوم شد این ماشین به پسری ۱۸ساله به نام حسین تعلق دارد. حسین در خانه‌ای در منطقه سعادت‌آباد زندگی می‌کرد اما با انجام تحقیقات میدانی مشخص شد وی پس از قتل متواری شده است. به این ترتیب دستور توقیف پراید مورد نظر به تمامی واحدهای انتظامی مخابره شد و چند روز بعد این خودرو به صورت رهاشده در اطراف شهرستان رباط‌کریم کشف شد. در حالی که تلاش‌های تیم ویژه‌ای از کارآگاهان اداره دهم و یگان ضربت پلیس آگاهی تهران برای دستگیری حسین ادامه داشت، او روز هشتم فروردین در حوالی محل سکونتش مشاهده و دستگیر شد. «حسین» سپس از سوی پدر مقتول به عنوان یکی از دو مردی که برای گرفتن مبلغ ۳۰۰ هزار تومان در چهارراه پارک‌وی به ملاقاتش آمده بودند، مورد شناسایی قرار گرفت. متهم با توجه به مدارک موجود چاره‌ای ندید جز اینکه اسرار قتل مجتبی را برملا کند. او گفت: «دو نفر از دوستانم به اسامی «امین» و «رضا» روز چهارم فروردین‌ماه با من تماس گرفتند و از من خواستند با خودرو پرایدم به باغ گیلاسی در محدوده اتوبان شهید چمران بروم. از آنجا همراه آن دو برای گرفتن ۳۰۰ هزار تومان به محل قرار در چهارراه «پارک وی» رفتیم. ما بدون گرفتن پول از پدر «مجتبی» دست خالی برگشتیم. وقتی من مجتبی را دیدم او به درختی در باغ بسته و شکنجه شده بود. «رضا» و «امین» که بسیار عصبانی بودند با چوب و سنگ به جانش افتادند و او را به شدت زیر ضربات خود گرفتند تا جایی که او بیهوش شد. سپس ما سه نفر به سمت منزل‌مان حرکت کردیم. البته قبل از حرکت «امین» به دو نفر دیگر سفارش کرد تا مراقب «مجتبی» باشند. صبح روز بعد این دو نفر با تلفن همراه من تماس گرفتند و گفتند: «مجتبی» شب گذشته مرده است. من موضوع را به «امین» گفتم و او با چند نفری که در زمینه خرید و فروش مواد مخدر با وی همکاری می‌کردند تماس گرفت تا جنازه «مجتبی» را به زیر پل مدیریت منتقل و آنجا رها کنند.» اعترافات حسین بیشتر به ماجرای فیلم‌های مافیایی شبیه بود. با این وجود کارآگاهان تصمیم گرفتند برای اطلاع از صحت و سقم این اظهارات به باغ گیلاس بروند. آنها با انجام تحقیقاتی درباره این محل دریافتند تمامی افرادی که به این مکان رفت و آمد دارند به نوعی در زمینه مواد مخدر برای «امین» کار می‌کنند و در واقع محافظ او نیز هستند و رفت و آمدها به باغ را نیز زیر نظر دارند تا فرد غریبه‌ای به آنجا تردد نکند. کارآگاهان پس از انجام یکسری کارهای تحقیقاتی میدانی درباره تردد افراد به باغ گیلاس، روز ۳۰ فروردین در یک عملیات غافلگیرانه وارد باغ شدند. در این هنگام افرادی که در آنجا حضور داشتند با استفاده از شمشیر سامورایی، قمه، چاقو و پرتاب سنگ با کارآگاهان درگیر شدند. ماموران با شلیک‌های هوایی توانستند شش نفر را دستگیر کنند اما «امین» در جریان این درگیری از طریق یک کانال آب از محل متواری شد. با انتقال متهمان به اداره دهم، یکی از آنها به نام «رضا» به مشارکت در ربودن و ضرب و جرح منجر به قتل «مجتبی» اعتراف کرد و گفت: «من و امین از یک سال قبل فعالیت خود را در زمینه خرید و فروش مواد مخدر شروع کردیم. مجتبی نیز که اعتیاد به مواد مخدر داشت یکی از خریداران مواد از ما بود. او آخرین بار از ما مبلغ ۳۰۰ هزار تومان خرید کرد و شش فقره تراول‌چک داد که پس از رفتنش متوجه شدیم همه‌شان جعلی است. این موضوع خیلی برای ما سنگین بود. برای همین تصمیم گرفتیم او را گروگان بگیریم و مجبورش کنیم پول مواد را بدهد. بعد از اینکه مجتبی را ربودیم او به ما گفت هیچ پولی ندارد، بنابراین تصمیم گرفتیم طلب‌مان را از خانواده‌اش اخذ کنیم. وقتی پدرش جواب ما را آن‌طور داد عصبانی شدیم و مجتبی را به شدت مورد ضرب و جرح قرار دادیم اما فکر نمی‌کردیم که او زیر ضربات ما بمیرد.» در ادامه تحقیقات پنج متهم پرونده باغ گیلاس گفتند: «ما به مواد مخدر اعتیاد داریم. در قبال محافظت از امین و انجام کارهایش، او مواد مصرفی ما را تامین می‌کرد. همچنین ما اجازه داشتیم در پارک‌ها خرده‌فروشی مواد مخدر انجام بدهیم اما حق نداشتیم مثل خود او به صورت عمده خرید و فروش کنیم.» بازجویی از متهمان فاش کرد جسد مجتبی توسط مالک یک پراید به نام «فلاح» که عضو این باند مخوف است به زیر پل مدیریت منتقل شده است. به‌رغم مسجل شدن نقش امین و فلاح در این جنایت، هیچ ردپایی از آن دو به دست نیامد تا اینکه با گذشت حدود شش ماه از جنایت، «فلاح» در محدوده سعادت‌آباد مورد شناسایی قرار گرفت و نخستین روز شهریورماه دستگیر شد. فلاح پس از انتقال به پلیس آگاهی ضمن اعتراف به انتقال جنازه «مجتبی»، درباره پدرخوانده ۲۰ساله باند گفت: «امین پس از فرار از باغ گیلاس به جنوب کشور رفت و در این شهرها مخفی شد اما اخیراً تصمیم گرفته باند جدیدی تشکیل بدهد و فعالیتش را در زمینه خرید و فروش مواد مخدر از سر بگیرد. او قرار است به زودی با مقدار زیادی مواد مخدر به تهران بیاید.»

کارآگاهان با اطلاعات به‌دست‌آمده محل تردد قاچاقچی حرفه‌ای را در سعادت‌آباد زیر نظر گرفتند و چند روز قبل وی را در یک دستگاه پژو ۴۰۵ که رانندگی آن را فرد دیگری بر عهده اشت، شناسایی و دستگیر کردند.

همچنین در بازرسی از خودرو پژو مقدار زیادی مواد مخدر نیز کشف شد. امین در بازجویی‌ها به نقش خودش در قتل اقرار کرد و گفت: «وقتی مجتبی در ازای مواد مخدر تراول جعلی به من داد تصمیم گرفتم برای ترساندن سایر اطرافیانم هم که شده او را به شدت تنبیه کنم و ۳۰۰ هزار تومان را نیز به هر شکل ممکن از او بگیرم.»

بنا بر این گزارش سرهنگ عباسعلی محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر گفت: باید مواد مخدر را مادر فساد و جرم جوانان بدانیم چراکه می‌توان گفت بیش از ۵۰ درصد جرائم خشن و جنایی به نوعی مستقیم و غیرمستقیم به آن مرتبط است، به همین سبب به خانواده‌ها توصیه می‌شود نسبت به رفتار و حرکات و دوستی‌های فرزندان خود از راه‌های صحیح و اصولی حساسیت نشان دهند. خانواده‌ها اگر موفق نشوند به شکل مثبت جوان خود را به تحصیل و ورزش و کانون خانواده جذب کنند، مطمئن باشند جذب‌شان در محیط‌های منفی به آسانی صورت می‌گیرد.»

معصومه دیروز برای اولین بار جراحی شد

گروه حوادث: اولین عمل جراحی روی چشمان معصومه زن جوانی که قربانی اسیدپاشی شده است روز گذشته انجام شد. به گزارش خبرنگار ما، معصومه زن ۲۸ساله‌ای که شهریورماه توسط پدرشوهرش مورد حمله قرار گرفت و از ناحیه صورت و دو دست با اسید سوزانده شد از آن زمان به طور کامل بینایی‌اش را از دست داد. وی پس از اینکه از شهرضا واقع در استان اصفهان به تهران انتقال یافت در بیمارستان تخصصی چشم بستری شد. هر چند در ابتدا مسوولان بیمارستان به دلیل نداشتن پول از بستری کردن وی خودداری کرده بودند ولی با کمک مردم مبلغ لازم به حساب بیمارستان واریز شد و معصومه روز گذشته برای انجام اولین جراحی به اتاق عمل رفت. دکتر برادران‌رفیع پزشک معالج معصومه بعد از معاینه وی به خانواده‌اش اعلام کرد روی هر کدام از چشمان زن جوان باید حداقل هشت عمل جراحی سنگین انجام شود تا شاید او بینایی خود را تا حدی به دست آورد. به تشخیص این پزشک از آنجایی که معصومه بر اثر سوختگی شدید با اسید پلک‌هایش را از دست داده است ابتدا باید برای او پلک گذاشته شود و بعد چشمانش مورد عمل جراحی قرار گیرد. قرار است از پوست پشت گوش معصومه برای پیوند پلک‌های وی استفاده شود. پس از این مرحله ابتدا چشم راست معصومه جراحی خواهد شد. به گفته پزشکان چشم راست این زن به خاطر نفوذ اسید مبتلا به آب مروارید نیز شده است. معصومه دیروز پیش از اینکه به اتاق عمل برود از همه افرادی که به حساب او پول واریز کردند تا بتواند چشمانش را درمان کند تشکر کرد و گفت: من برای اینکه نمی‌خواستم با شوهری که زندگی را برایم سخت کرده بود زندگی کنم این‌طور تنبیه شدم، در حالی که روی پای خودم ایستاده بودم و کار می‌کردم و هزینه‌های زندگی خود و پسرم را تامین می‌کردم. کاری که پدرشوهر سابقم کرد باعث شد بینایی‌ام را از دست بدهم. در این مدت تمام نگرانی من این بود که پولی ندارم و نمی‌توانم خودم را معالجه کنم و صورت پسرم را ببینم، اما مردم خیر به من کمک کردند و توانستم هزینه‌های اولیه بیمارستان را بپردازم.» عبدالصمد خرمشاهی وکیل مدافع معصومه نیز گفت: پزشکان بسیار امیدوارند بتوانند دوباره بینایی معصومه را به او بازگردانند و چشمانش را درمان کنند. البته گفته می‌شود وضعیت یکی از چشمان او اصلاً مساعد نیست.

قصاص و حبس، مجازات عاملان شکنجه مرگبار

گروه حوادث: دو مرد جوان که دوست خود را بعد از سه ماه شکنجه به قتل رساندند به قصاص و زندان محکوم شدند.

به گزارش خبرنگار ما، این دو مرد جوان که مهدی و امیرعباس نام دارند یک سال پیش با همدستی زنی به نام مرجان دوست خود حمید را سه ماه در حمام خانه حبس و او را با روش‌های مختلف شکنجه کردند و به قتل رساندند.

زمانی که سه متهم بازداشت شدند به قتل اعتراف کردند و مدعی شدند از آنجایی که حمید قصد خیانت داشت او را کشتند.

در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجان- یکی از متهمان پرونده- به عنوان قاتل اصلی شناخته شد و دو مرد همدست او معرفی شدند.

هفته گذشته جلسه رسیدگی به پرونده این افراد در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد و مرجان با انکار اتهام قتل به هیات پنج نفری قضات گفت: مهدی فکر می‌کرد حمید به همسر صیغه‌ای‌اش نظر دارد و به همین خاطر هم او را داخل حمام انداخت و شکنجه‌اش کرد. وی ادامه داد: مهدی و امیرعباس با روغن داغ و آب جوش حمید را در حمام سوزاندند. آنها با چاقو بدن حمید را سوراخ می‌کردند و او را عذاب می‌دادند. مهدی برای اینکه صدای فریادهای حمید بیرون نرود خانه را عایق‌بندی کرده بود. هرچند امیرعباس و مهدی گفته‌های مرجان را رد کردند و گفتند حمید توسط مرجان به قتل رسیده است. بعد از اینکه هیات قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران شور کردند مهدی و امیرعباس را به عنوان قاتلان حمید شناختند. آنها مهدی را به جرم مشارکت در قتل و حبس توام با شکنجه به قصاص و تحمل پنج سال حبس و امیرعباس را به جرم قتل و حبس توام با شکنجه و رابطه نامشروع به قصاص، پنج سال حبس و ۱۰۰ ضربه شلاق و مرجان را به جرم معاونت در قتل و رابطه نامشروع به ۱۰ سال حبس و ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم کردند.

این رای پس از ابلاغ تا ۲۰ روز فرصت تجدید نظرخواهی دارد و در صورتی که متهمان به مجازات در نظر گرفته شده اعتراض داشته باشند، می‌توانند درخواست تجدید نظرخواهی کنند.

یک معتاد دیگر قربانی مرکز غیرمجاز ترک اعتیاد شد

قتل پسر معتاد زیر ضربات مشت و لگد

گروه حوادث: مردی که متهم است در یک مرکز ترک اعتیاد غیرقانونی جوان معتادی را برای ترک کتک زده و او را به قتل رسانده دیروز محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، متهم که خود پیش از این به مواد اعتیاد داشته ادعا کرد به خاطر علاقه شدیدی که به معتادان داشته کمپی راه‌اندازی کرد تا بتواند آنها را نجات دهد. این نخستین بار نیست که معتادان در مراکز غیرقانونی قربانی روش‌های غیراصولی و نادرست ترک مواد می‌شوند. در ابتدای جلسه محاکمه این متهم، نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر شد و در توضیح کیفرخواست خطاب به قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری گفت: هفتم مهر سال گذشته ماموران پلیس رباط‌کریم باخبر شدند جوانی به نام بهروز جان باخته است. متخصصان پزشکی قانونی بعد از معاینه جنازه اعلام کردند این جوان به شدت مورد ضرب و جرح قرار گرفته و علت مرگ او خونریزی داخلی ناشی از جراحات است. وقتی پدر بهروز مورد بازجویی قرار گرفت، گفت: پسرم برای ترک اعتیاد به کمپی رفته بود. ما فکر می‌کردیم او تحت مداواست اما خبر دادند حالش بد شده و به بیمارستان انتقال یافته است. وقتی به بیمارستان رسیدیم پسرم فوت شده بود.

نماینده دادستان ادامه داد: «با توجه به گفته‌های اولیای دم، مسوول کمپ که علی نام دارد بازداشت شد. او به جرم خود اعتراف کرد و توضیح داد چطور بهروز را به قتل رسانده است. بنابراین با توجه به مدارک به دست آمده به عنوان نماینده دادستان تهران تقاضای صدور حکم قانونی در مورد متهم را دارم.» در ادامه پدر و مادر مقتول در جایگاه حاضر شدند و برای متهم درخواست صدور حکم قصاص کردند. پدر مقتول گفت: من پسرم را برای ترک اعتیاد فرستاده بودم، نه برای مرگ. علی به ما نگفته بود چه روشی برای ترک اعتیاد دارد و ما فکر می‌کردیم او اصولی کار می‌کند. نمی‌دانستم پسرم را زیر کتک خواهد کشت. سپس متهم به دفاع از خودش پرداخت. او گفت: قبول دارم بهروز به دست من کشته شد اما من قصد قتل نداشتم. من خودم معتاد بودم. در دوران اعتیاد سختی زیادی کشیدم و بسیار تحقیر شدم تا اینکه تصمیم گرفتم اعتیادم را ترک کنم. به کمپی رفتم که موسس آن یک مرد جوان بود که خودش قبلاً اعتیاد داشت. من اعتیادم را ترک کردم و تبدیل به یک انسان سالم شدم. بعد از آن تصمیم گرفتم به معتادان کمک کنم. من به معتادان علاقه زیادی داشتم و دلم می‌خواست آنها زندگی سالم را تجربه کنند. ساختمانی در رباط‌کریم خریدم و آنجا را تبدیل به کمپ ترک اعتیاد کردم. جوان‌های زیادی را آنجا بستری کردم و باعث شدم اعتیادشان را ترک کنند. چون خودم معتاد بودم، می‌توانستم آنها را درک کنم. روش خوبی را برای ترک اعتیاد به کار می‌بردم.

وی ادامه داد: چند ماه قبل یکی از اقوام بهروز پیش من آمد و اعتیادش را ترک کرد. او از کمپ من خیلی راضی بود به همین خاطر هم بهروز را پیش من آورد. هزینه‌ای که من برای ترک اعتیاد می‌گرفتم زیاد نبود. حدود ۴۰ هزار تومان از هر نفر می‌گرفتم و چون هزینه کم بود معتادان زیادی می‌آمدند. البته من هنوز از بهروز چیزی نگرفته بودم. داشتم با او حرف می‌زدم تا قانعش کنم که اعتیادش را ترک کند. من از دو بعدازظهر تا ساعت سه شب با او صحبت کردم اما بهروز حرف‌های من را جدی نمی‌گرفت. او در مقابل معتادان دیگر که برای ترک آمده بودند کارهایی می‌کرد که آنها پشیمان شوند. کاملاً خمار بود و کارهایش در اختیار خودش نبود. بلند شد تا برود. من دستش را گرفتم و به در و دیوار کوبیدمش، البته نه به این قصد که بکشمش بلکه می‌خواستم او را آرام کنم. متهم ادامه داد: یکدفعه دیدم حال بهروز بد شد. بلافاصله با اورژانس تماس گرفتم. تکنسین‌های اورژانس که آمدند، گفتند او مرده است با این حال به بیمارستان منتقلش کردند. بعد از مدتی هم من بازداشت شدم. من قبول دارم باعث مرگ بهروز شدم اما قصدی برای به قتل رساندن او نداشتم، حالا هم تقاضا دارم اولیای دم من را ببخشند. حاضرم ساختمان کمپ را بفروشم و به آنها دیه بپردازم.

بنا بر این گزارش بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند و متهم را به پرداخت دیه محکوم کردند.

نگاه

انتقال ایدز با علم و آگاهی

عبدالصمد خرمشاهی*

حدود چهار سال پیش در روزنامه‌ها خواندیم مردی که به بیماری ایدز مبتلا بود با علم و آگاهی از مبتلا بودن خود به این بیماری و با ترفندهای گوناگون با افراد مختلف رابطه جنسی برقرار و آنان را به بیماری ایدز مبتلا می‌کرد. در آن زمان انعکاس این خبر باعث سر و صدای زیادی شد... با شکایت چند نفر از قربانیان این ماجرا نامبرده دستگیر شد و اظهارات گوناگونی درخصوص نوع مجازات وی از سوی حقوقدانان به عمل آمد. عده‌ای اعتقاد داشتند عمل وی مصداق شروع به جرم قتل است. عده دیگری معتقد بودند اصلاً این عمل، خود قتل است. این نظریه از هر جنبه که بررسی می‌شد مصداقی در قانون مجازات اسلامی پیدا نمی‌کرد زیرا قتل در قانون مجازات تعریف شده است و شروع به جرم نیز به همین شکل تعریف خاص خودش را دارد. در همین رابطه پرسش‌های متعددی در اذهان عمومی به وجود آمد از جمله اینکه:

۱- چه بر سر وضعیت اخلاقی و فرهنگی جامعه رفته است که یک آدم بی‌وجدانی مثل فردی که از او نام برده شد به خودش اجازه این جنایت‌ها را می‌دهد و از آن مهم‌تر کسانی که قربانی حادثه هستند چرا به همین سادگی به بیراهه می‌روند و عمل انجام‌شده را فریب خوردن می‌نامند.

۲- محاکم چه برخوردی با این‌گونه مجرمان خواهند داشت، آیا مجازات در نظر گرفته‌شده (ولو حداکثر مجازات) برای آنان متناسب با جنایتی است که انجام داده‌اند.

۳- خسارات مادی و معنوی قربانیان این نوع جنایت چگونه قابل جبران است. تا آنجا که نگارنده به یاد دارد سال‌ها پیش قانونی وضع شد به نام قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی. ماده ۹ این قانون چنین می‌گفت «هر کس بداند مبتلا به بیماری آمیزشی واگیردار بوده یا آنکه اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند بیماری او واگیردار است و به واسطه آمیزش او طرف مقابل مبتلا شود و شکایت کند، مبتلاکننده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود...» طبعاً آن سال‌ها مرضی به نام ایدز به گوش مردم نخورده بود اما پس از واقعه‌ای که عرض کردم چند سال پیش رخ داد، سوالاتی در اذهان عمومی نقش بست که بعد از اعلام رسمی مسوول رده اول وزارت بهداشت مبنی بر رشد رو به انفجار ایدز این سوال‌ها اکنون پررنگ‌تر شده است. اگرچه اثبات این امر که فرد خاصی طرف مقابلش را آگاهانه به مرض ایدز مبتلا کرده، دشوار است اما به نظر می‌رسد در کنار همین قضیه خلاء قانونی نیز خود نوعی مساله است. شکی نیست اقدامات و فعالیت‌های ضروری مستمری که دولت باید در جهت پیشگیری از اشاعه این مرض و همچنین آگاه ساختن عامه مردم از خطرات یادشده انجام دهد، امری است حیاتی و مسلم که روز به روز ضرورت آن ملموس‌تر و آشکارتر می‌شود. ضمن آنکه به نظر می‌رسد قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی که به آن اشاره شد نیز دیگر کارایی آنچنانی ندارد و زمانه، وضع قوانین جدیدی در این رابطه را ایجاب می‌کند.

***وکیل پایه یک دادگستری**

حادثه‌ها

سقوط روزنامه‌نگار نابینا در مترو خزانه

گروه حوادث: یک روزنامه‌نگار نابینا دیروز در حادثه‌ای تلخ بر اثر سقوط در ایستگاه مترو خزانه جانش را از دست داد. این زن ۳۳ساله به اسم هما که سابقه همکاری با روزنامه ایران سپید- روزنامه ویژه نابینایان- را داشت صبح دیروز در ایستگاه مترو خزانه داخل مسیر عبور قطار افتاد و جانش را از دست داد. این زن که مادر دو کودک بود در حالی دچار این حادثه شد که هیچ‌کس خطر سقوط را به او تذکر نداد و با توجه به شرایط جسمی کمکی به او نکرد. شاهنگیان بازپرس ویژه قتل تهران در این باره گفت: اظهارنظر قطعی در خصوص این حادثه منوط به انجام تحقیقات بیشتر است.

دستگیری یک ایرانی در فرودگاه تایلند به جرم حمل مواد مخدر

تلویزیون دولتی تایلند از دستگیری یک ایرانی به جرم حمل ۱/۵ کیلوگرم مواد مخدر در فرودگاه بانکوک خبر داد. به گزارش مهر «حمیدرضا ج» ۳۴ساله مواد مخدر را در قوطی‌های شامپو جاسازی کرده بود و هنگامی که قصد عبور از بازرسی گمرک فرودگاه را داشت، دستگیر شد. مقامات گمرک فرودگاه مقدار دقیق مواد قاچاق‌شده را ۱۵۵۰ گرم و به ارزش تقریبی ۱۸۰ هزار دلار برآورد کرده‌اند. بازرسی‌های اولیه حاکی از آن است که این ایرانی با شرکت هواپیمایی قطر ایر و از مبداء تهران به دوحه و از دوحه به بانکوک سفر کرده است. این فرد برای تکمیل پرونده قضایی تحویل مقامات سازمان مبارزه با مواد مخدر تایلند شده است.

خادم امامزاده ۵۱ میلیون تومان وجه نقد را به صاحبش بازگرداند

خادم امامزاده زید (ع) پس از یافتن ۵۱۰ میلیون ریال وجه نقد در این امامزاده، آن را به صاحبش بازگرداند. به گزارش روابط عمومی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران، پرویز رجبی خادم ۳۷ساله امامزاده زید (ع) بازار تهران حین انجام وظیفه با مواجه شدن کیف حاوی ۵۱۰ میلیون ریال وجه نقد، آن را به صاحبش برگرداند. صاحب این کیف که برای انجام زیارت به امامزاده زید (ع) رفته، آن را جا گذاشته بود.

دستگیری سارق مسلح در بندر دیر

گروه حوادث: دو متهم که به صورت مسلحانه به یک مغازه لوازم یدکی دستبرد زده بودند، دستگیر شدند. ابوذر قربانی فرمانده نیروی انتظامی شهرستان دیر، در این خصوص توضیح داد: متهمان با استفاده از موتورسیکلت، سلاح کمری و تیغه چاقو با سر و روی پوشیده اقدام به سرقت مسلحانه از مغازه لوازم یدکی کرده بودند. فرمانده انتظامی دیر گفت: در این سرقت مسلحانه، معادل ۱۵ میلیون تومان جواهرات، مدارک شخصی و اسناد و اوراق بهادار مالباخته مورد سرقت قرار گرفته بود.